

درصد تغییر آن است، جلوه داده شود. با وجود این، هرگز به اندازه اسناد 2017 NSS و 2022 NSS این امر مورد تأکید نبوده است. بایدن می نویسد: «جمهوری خلق چین، قصد و به طور فزاینده ای ظرفیت تغییر نظم بین المللی در جهت نظم را دارد که زمین بازی جهانی را به نفع خود متمایل کند، حتی اگر ایالات متحده همچنان به مدیریت مسئولانه رقابت بین کشورها ایمان متعهد باشد».

۹. تأکید بر دوگانه اتوکراسی/دموکراسی: سند استراتژی امنیت ملی ۲۰۲۲ می کوشد که مسئله جنگ برای حاکمیت راهبردی و بازسازی نظم جهانی به تقابل چین - آمریکا تقلیل پیدا نکند؛ از همین رو، علاوه بر زیر سؤال بردن چین در زمینه چهار ارزش جهان باز، آزاد، مرفه و امن، تلویحاً و گاهی تصریحاً به گونه ای سخن می گوید که گویی ایالات متحده در رأس یک ائتلاف دموکراتیک و چین در رأس ائتلافی اتوکراتیک قرار دارد و چین در رقابتی تمام عیار برای القای مدل حکمرانی خود در برابر مدل حکمرانی آمریکایی تلاش می کند. بایدن می نویسد: «خودکامگان برای تضعیف دموکراسی و صدور مدلی از حکمرانی که با دو ویژگی سرکوب در داخل و اجبار در خارج از کشور مشخص می شود، به شدت تلاش می کنند».

۱۰. خوش بینی به برتری آمریکا در جنگ سرد با چین: «ایالات متحده همه چیزهایی را که ما برای پیروزی در رقابت های قرن ۲۱ نیاز داریم، در اختیار دارد. ما از هر بحرانی قوی تر بیرون می آیم. این امر چیزی فراتر از ظرفیت ما نیست. ما می توانیم این کار را برای آینده خود و جهان انجام دهیم».

«رقابت برای آنچه که در آینده خواهد آمد»

آمدن بخشی با این عنوان در ابتدای یک سند استراتژی امنیت ملی نشان دهنده نکته ای بسیار مهم است: فضا تغییر کرده است. نگاهی به اسناد امنیت ملی پسا جنگ سرد قرن گذشته و اوایل قرن حاضر نشان دهنده این امر است که ایالات متحده رقیبی در برابر خود نمی بیند و قرن ۲۱ قری آمریکا است، اما عنوان این بخش در سند امنیت ملی ۲۰۲۲ به خوبی نشان می دهد که آینده جهان از دید حکمرانان واشنگتن دیگر لزوماً آمریکایی نیست و برای حفظ آن باید در رقابتی تمام عیار پیروز شد.

در این بخش از سند ضمن تأکید مجدد بر مفهوم «دهه سرنوشت ساز» و تنگ بودن زمان و همچنین رقابت دو نظام حکمرانی اتوکراتیک (به رهبری چین) و دموکراتیک (به رهبری آمریکا) حاوی نکات مهم زیر است:

۱. تأکید بر پایان جهان پسا جنگ سرد و به رسمیت شناختن تلویحی جنگ سرد جدید: «ما با دو چالش استراتژیک روبه رو هستیم. اولین مورد این است که دوران پس از جنگ سرد به طور قطعی به پایان رسیده است و برای شکل دادن به آنچه در آینده خواهد آمد بین قدرت های بزرگ رقابتی در جریان است».

۲. تأکید مجدد بر مسئله لزوم همراهی دیگر طرف ها با ایالات متحده در جنگ سرد جدید: «هیچ کشوری برای موفقیت در این رقابت بهتر از ایالات متحده نیست، تا زمانی که ما در یک هدف مشترک با کسانی کار می کنیم که دیدگاه ما از جهانی آزاد، باز، امن و مرفه را دارند [...] استراتژی ما ریشه در منافع ملی ما دارد؛ حفاظت از امنیت مردم آمریکا به منظور گسترش شکوفایی و فرصت های اقتصادی و برای درک و دفاع از ارزش های دموکراتیک در قلب سبک زندگی آمریکایی. ما هیچ یک از این ها را به تنهایی نمی توانیم انجام دهیم و مجبور نیستیم. بیشتر کشورها در سراسر جهان منافع خود را به گونه ای تعریف می کنند که با منافع ما سازگار است. ما قوی ترین و گسترده ترین ائتلاف ممکن را از کشورهای خواهیم